

تحولات در نشر روسیه

ماریا یا کوبویچ

ترجمه عبدالحسین آذرنگ

روسیه جدید کوشید به نشر فرصت دیگری بدهد. لایحه‌ای مربوط به حقوق ناشران و پدیدآورندگان در ۱۹۹۳ از تصویب گذشت، و قانون فدرالی ناظر بر کمک به نشر و رسانه‌ها، که کاهش‌های مالیاتی و دیگر انگیزه‌های مالی را در نظر می‌گرفت، از اول ژانویه ۱۹۹۶ (۱۱ دی ۱۳۷۵) به اجرا درآمد. این قانون، مشوق بخش خصوصی بود که امروزه نزدیک به دو سوم کتاب‌های منتشر شده در روسیه را تولید می‌کند، بالغ بر ۴۲۰ میلیون نسخه و بیش از ۳۶ هزار عنوان.

وظیفه‌های دشوار

این ارقام اما فقط یک روی سکه است. صنعت نشر روسیه هنوز با مجموعه‌ای از مشکلات، غالباً مرتبط با سقوط قدرت خرید دست به گریبان است. شهروندان روسیه نمی‌توانند کتاب بخرند، حتی کتاب‌های درسی را. از این بدتر، بسیاری از ناشران محلی در این موقعیت نیستند که نیاز بازار پراکنده را تأمین کنند، به گونه‌ای که نامتوازی فاحشی میان ناحیه‌های مرکزی کشور و ناحیه‌های دورافتاده، به ویژه سیبری و خاور دور، وجود دارد. در ناحیه‌های مرکزی شمار کتاب‌های دستیاب به نسبت ساکنان، چندصد است، در ناحیه‌های مرزی از بیست کم‌تر است. دیگر این که قانون ژانویه ۱۹۹۶ بی‌حساب به اجرا درآمد و ناشران از مزیت‌هایی که قانون ارائه می‌کند، به ندرت بهره‌مند شدند؛ حتی مؤسسه‌های انتشاراتی بخش عمومی هم احساس می‌کنند در فشارند. در سال ۷-۱۹۹۶ فقط ۲۵ کتاب با مشارکت دولت منتشر شد و بیشتر آن‌ها در بزرگداشت ۸۵۰ سالگی مسکو بود. این کزروی‌ها تا اندازه زیادی در حق شرکت‌های کوچک و متوسط اجحاف می‌کند. وضع شرکت‌های بزرگ خوب است، به ویژه اگر به جامعه گسترده‌ای از مخاطبان دسترسی داشته باشند. داستان‌های علمی، قصه‌های عشقی و هیجان‌انگیز، که روزگاری یافتن آن‌ها تقریباً ناممکن بود، کتاب‌های پرفروش امروزند. تقاضا در افزایش است، به ویژه به این سبب که قیمت این‌گونه کتاب‌ها از ۱۲ تا ۱۵ روبل (۲ تا ۲/۵ دلار) است - میانگین حقوق ماهانه در مسکو ۱۰۰۰ روبل (برابر ۱۶۴ دلار) و در جاهای دیگر روسیه از ۳۰۰ تا ۵۰۰ روبل (۴۹ تا ۸۲ دلار) است.

برای کتاب‌های آشپزی، کتاب‌های خودآموز و راهنماهای تدرستی و سفر هم بازار شکوفایی برای مؤسسه‌های انتشاراتی

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مدت کوتاهی نگذشته بود که تغییر موقعیت آغاز شد. رویداد اصلی در نشر، لغو سانسور در ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ ش) بود که به رشد ناگهانی نشر دامن زد. شرکت‌های تعاونی جدید به ۳۰۰ مؤسسه انتشاراتی در مالکیت دولتی پیوستند و به چاپ آثار نویسندگانی دست زدند که پیشتر ممنوع بود؛ آثاری از آخماتوا، تسو تایوا، ماندلشتام، بردیایف، و سلوویف، با شمارگانی از ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار نسخه. نشر ادبیات خارجی هم آغاز شد، با شمارگان بسیار، به صورت غیرمجاز و معمولاً با کیفیت چاپی بد. شمار مؤسسه‌های انتشاراتی تا ۱۹۹۳ (۱۳۷۲ ش) تقریباً به ۶۰۰۰ افزایش یافت، اما عده بسیار زیادی از آن‌ها همان کارها را روانه بازار کردند و دیری نپایید که سیل انتشارات وارد بازار شد.

در سال‌های نخست دهه ۱۹۹۰ نمونه آثاری که در راه بود، به بازار آمد، اما پرسترویکا (بازسازی) تا ۱۹۹۲ (۱۳۷۱ ش) در واقع به نقطه اوج نرسید؛ تا زمانی که نخستین مؤسسه‌های انتشاراتی خصوصی شدند. دولت از نظارت بر صنعت دست برداشت، بلکه گونه‌ای سامانه سهام‌داری ایجاد کرد تا در عین حال که بخشی از بار مالی خود را کم می‌کند، بتواند رشته‌ها را در دست داشته باشد. این وضع که پیش آمد، افسانه شکوفاشدن صنعت شورایی نشر بر باد رفت. در رژیم سابق، شمارگان برخی عنوان‌ها بسیار زیاد و بقیه ناچیز بود؛ تصمیم‌های ویراستارانه به دلخواه صورت می‌گرفت و آثار حزبی جایگاه خاصی داشت و جمهوری‌های عضو اتحاد شوروی خود به خود آن‌ها را می‌خریدند، و نیز به صورت رایگان برای کتابخانه‌های شهری و روستایی و جمهوری‌های خلق اروپای شرقی می‌فرستادند. آن روزها گذشت.

دهه نخست نشان داد که نشر در وضعیت لرزانی است. نداشتن تجربه بازار و موقعیت اقتصادی جدید، مانع‌های بر سر راه سودآوری نشر بود. قطع شدن ناگهانی بارانه‌های دولتی، گسیختن سامانه پخش متمرکز، افزایش شدید قیمت کاغذ، تولید و ارسال پستی، به ناشرانی که روزی غول‌های نشر شورایی بودند، مانند سوتسکی پیساتل^۱، مولودایا گواردیا^۲، پروگرس^۳، و دتسکایا لیتراتورا^۴ ضربه‌ای مرگبار وارد ساخت، و این‌ها ناشرانی بودند که در زمینه کتاب‌های جوانان تخصص داشتند. از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ شمار عنوان‌های انتشار یافته از ۴۱ هزار به ۲۹ هزار کاهش یافت و شمار نسخه‌های منتشر شده از ۱۵ میلیارد به ۹۵۰ میلیون نسخه تقلیل پیدا کرد.

درسی، درس‌نامه‌های دانشگاهی و کتابخانه‌ها. راهبردهای باز آریایی و فروش باید جرح و تعدیل شود. مراکز باز آریایی وجود دارد، اما کتاب‌های روسی از نظر زیبایی‌شناختی هنوز تا وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. نیز زمان آن رسیده است که نشر مشترک با ناشران غربی در نظر گرفته شود.

1. Sovetsky Pisatel
2. Molodaya Gvardya
3. Progress
4. Detskaya Literatura
5. Eskimo
6. Olma-Press
7. AST Press
8. Armada
9. Centrpoligraf
10. Infra_M
11. Spark
12. Financi i Statistika
13. Prior
14. Vagrius
15. Terra
16. Sabaschnikov

۱۷. Literary agency، در نشر غرب، به ویژه در امریکا، شرکت‌های واسطه‌ای هستند که برای ناشران، نویسنده و اثر و برای نویسندگان، ناشر مناسب می‌یابند و از این بابت دستمزد می‌گیرند. نقش این شرکت‌ها در مربوط ساختن این دو باهم، گاه بسیار موفقیت‌آمیز است - م.

18. Alexander Marinina
19. Bouker
20. Antibouker
21. Soros

جهان کتاب

از مجموعه «سروده‌های زمانه» منتشر کرده است:

شعر روزهای دل‌تنگی

سروده‌های شاعران شهر کافکا

به روایت
خسرو ناقد و باسرم رسام

خصوصی، نظیر اسکیمو^۵، آلم-پرس^۶، است‌پرس^۷، آرمادا^۸ و سنتر پلی‌گراف^۹ بیش از بقیه، وجود دارد. کتاب‌های پرفروش دانشگاهی که قیمت آن‌ها به طور متوسط ۲۰ روبل است، در زمینه‌های حقوق، بازرگانی، امور مالی و فن‌آوری اطلاعات (آی تی) است. مؤسسه‌های انتشاراتی عمده در این عرصه، که شامل اینفرا - ام^{۱۰}، اسپارک^{۱۱}، فینانسی ئی استاتیسکا^{۱۲}، و پریور^{۱۳} می‌شود، در بخش خصوصی است. این پیشگامان نشر انبوه، دشواری‌های پخش را هم حل کرده‌اند. بیشتر آن‌ها انبارها و سامانه‌های حمل و نقل و مدیریت فروش رایانه‌ای دارند.

واگرایوس^{۱۴} و ترا^{۱۵}، دو ناشر عمده ادبی، با شمارگان‌های ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار نسخه، می‌توانند کتاب‌هایشان را با قیمت رقابتی ۲۰ تا ۳۰ روبل بفروشند. با عمده فروش‌ها هم کار می‌کنند، و در مسکو و مناطق، شبکه گسترده فروش دارند.

وضعیت برای ناشرانی همچون ساباسنیگف^{۱۶}، که شمارگان کتاب‌های آن‌ها ۵۰۰۰ نسخه یا کمتر است، کاملاً متفاوت است. سودآوری برای آن‌ها دشوار است. به ویژه از آن‌رو که کتاب‌هایشان در ایتالیا تولید و در روسیه فروخته می‌شود. این ناشران با کتاب‌هایی که قیمت هر جلد آن ۵۰ روبل است، بخت کمی در بردن از سهم بازار دارند. و چون فروش کتاب‌هایشان کم است، نمی‌توانند طرح‌های تازه به اجرا بگذارند و ناگزیرند با نشر ۳ تا ۴ کتاب در سال بسازند.

بازاندیشی در صنعت نشر

مؤسسه‌های کوچک انتشاراتی، افزون بر هزینه‌های ارسال کتاب و درصدهایی که عمده‌فروشان می‌دوشند، ناچارند با شرایط بازدارنده بانک‌های روسی با بهره‌های ۴۰ تا ۶۰ درصد وام‌ها کنار بیایند. بهره ۱۷ درصدی بانک بازسازی و توسعه اروپا، وسوسه‌انگیز است، اما گرفتن وام از آن کار سختی است. پدیدآورندگان روی هم روزگار را به سختی می‌گذرانند. در روسیه کارگزار ادبی^{۱۷} نیست، و نویسندگان برای یافتن ناشر همان قدر مشکل دارند که در دفاع از حقوق خود. این نکته حتی برای نویسندگان موفق چون آکساندر مارینینا که نام او را «سلطان داستان‌های پرهیجان» گذاشته‌اند، صادق است. وضع تازه‌کاران حتی از این هم بدتر است. جایزه‌های ادبی، از قبیل جایزه‌های بوکر^{۱۸} و آنتی بوکر^{۱۹} معمولاً به نویسندگان و ناشران تثبیت شده تعلق می‌گیرد.

پای ترجمه که به میان بیاید، پای بسیاری چیزها هم به میان کشیده می‌شود. پول، عامل تعیین‌کننده‌ای است و ناشران به آثار کلاسیک توجه دارند، زیرا نمی‌توانند حق نشر (کپی رایت) و هزینه‌های دیگر را پردازند. کمک‌های مالی از سوی بنیاد شرس^{۲۰} و برنامه پوشکین فرانسه، هزینه ترجمه آثار پاسکال، لوتره اُمن، والتر بنیامین، شاتوبریان، کارل یاسپرس، ژلان بارت، فرناند برودل و دیگران را تأمین کرد.

هنوز راه درازی برای پیمودن در پیش است. صنعت نشر روسیه، از جمله جنبه‌های تولید و باز آریایی آن، باید از بیخ و بن بازاندیشی شود. تزریق کمی تازه اجتناب‌ناپذیر است، به ویژه برای کتاب‌های